

# بررسی میزان انطباق ساخت و سازهای جدید در نواحی روستایی با

## معماری بومی و میزان رضایتمندی ساکنین روستایی

### نمونه موردی: بخش مرکزی شهرستان دلفان

عبدالرضا رکن الدین افتخاری \* / مجتبی حاجی پور \*\* / احداله فتاحی \*\*\* / ابوذر پایدار کل سنگ \*\*\*\*

تاریخ دریافت مقاله:

۱۳۹۰/۰۹/۲۵

تاریخ پذیرش مقاله:

۱۳۹۱/۰۶/۱۲

#### چکیده

مسکن از نیازهای اولیه انسان و سکونتگاه از نیازهای اساسی اجتماعات انسانی است. برآوردن مناسب این نیازها از دیر باز جزو آمال انسانها بوده، تا جایی که اجتماعات انسانی را همواره به چالش کشانده و تغییر و تحولاتی در ابعاد گوناگون آن ایجاد کرده است. این تغییرات در شکل، طراحی، مصالح و دانش ساخت و ساز سکونتگاه قابل بررسی است. هدف تحقیق بررسی انطباق ساخت و سازهای جدید با معماری بومی و نیز بررسی میزان رضایتمندی مردم از معماری جدید بوده است. لذا در تحقیق حاضر، مؤلفه‌های ۶ گانه اقتصادی، بهداشتی، استحکام، فرهنگی، کارکردی و کالبدی در هر دو نوع الگوهای مسکن بومی و جدید، در راستای رسیدن به هدف تحقیق مورد بررسی قرار گرفته است. جامعه آماری تحقیق شامل روستاهای بخش مرکزی شهرستان دلفان می‌باشد و تعداد ۱۷ روستای بالای ۵۰ خانوار که در آن‌ها ساخت و ساز جدید صورت گرفته است به صورت تصادفی انتخاب شده‌اند. هم‌چنین با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه ۱۳۳ سرپرست خانوار انتخاب شد. در راستای بررسی انطباق ساخت و سازهای جدید با معماری بومی و نیز بررسی میزان رضایتمندی مردم از معماری جدید از آزمون T و آزمون ویلکاکسون و از مدل تحلیل مسیر برای بررسی تأثیر گذاری مستقیم و غیر مستقیم مؤلفه‌ها بر معماری جدید استفاده شد. نتایج تحقیق که از آزمون ویلکاکسون حاصل شده‌اند نشان می‌دهد در تمام گویه‌ها به جز گویه سازگاری با موقعیت اجتماعی خانوار از مؤلفه فرهنگی در ساخت و سازهای جدید و معماری بومی انطباق وجود ندارد. همچنین نتایج حاصل از آزمون T نشان می‌دهد مردم در ساخت و سازهای جدید از مؤلفه‌های کالبدی، استحکام و بهداشت رضایتمندی دارند اما از مؤلفه‌های فرهنگی، اقتصادی و کارکردی رضایتمندی ندارند و در آخر آزمون تحلیل مسیر نشان می‌دهد مؤلفه فرهنگی بیشترین تأثیر مستقیم و مؤلفه اقتصادی بیشترین تأثیر غیر مستقیم بر ساخت و سازهای جدید داشته‌اند.

**واژگان کلیدی:** معماری بومی، ساخت و سازهای جدید، انطباق، بخش مرکزی دلفان.

\* دانشیار گروه جغرافیای دانشگاه تربیت مدرس تهران.

\*\* کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه زنجان.

\*\*\* کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه تربیت مدرس. fatahi.ahad@yahoo.com

\*\*\*\* دانشجوی دوره دکترا جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه تربیت مدرس.

## مقدمه

انسان از ابتدای پیدایش مراکز زیستی، برای پاسخ به نیازهای خویش سعی کرده تا محیط را تحت سلطه و خواست خود درآورد (بحرینی، ۱۳۷۱، ۳۳۵). یکی از اشکال مهم این تسلط و تطابق در عرصه مسکن ظهور و نمو پیدا می‌کند، به طوری که نیاکان ما در هر منطقه و شرایط آب و هوایی برای ایجاد فضای مناسب به فرم‌ها و مصالح مطابق با آن توجه کرده‌اند (محمدی، نیکو قدم، ۱۳۸۵، ۴۴). مسکن چیزی بیش از سرپناه فیزیکی صرف است و تمامی تسهیلات عمومی لازم برای زیستن انسان را شامل می‌شود و باید حق تصرف نسبتاً طولانی و مطمئن برای استفاده کننده فراهم باشد (صیدایی، ۱۳۸۹، ۵۱، از Napp, 1982). از سوی دیگر شرایط محیطی به خصوص شرایط طبیعی آن بر تمامی شئون، آداب و رسوم، فرهنگ و معماری ساکنان مرکز جمعیتی تأثیر مستقیم و غیر مستقیم می‌گذارند و هر چه واحدهای جمعیتی کوچک‌تر باشند، تأثیرپذیری آن‌ها از محیط طبیعی بیشتر می‌شود (Revi & et al, 2003, 15). معماری روستایی ایران به لحاظ ماهیت کارکردی و پاسخگویی به نیازهای انسانی، فعالیت‌های مردمی، عناصر تولیدی و محیط زیست، مجموعه‌ای همگن و متشکل با هویت کالبدی خاص را تشکیل می‌دهد که تجلی‌کننده ارتباطات و کارکردها و نقش چند عملکردی فضاهاست. این هویت، از نفس سکونت و شیوه زیست در روستاها نشأت می‌گیرد. به همین دلیل مسکن در روستاها، علاوه بر پاسخگویی به نیاز سکونت و تأمین امنیت و حریم خانوار، حلقه‌ای از نظام تولیدی روستا را نیز در بر می‌گیرد و به گونه‌ای متقابل با آن پیوند می‌خورد. گونه‌های موجود مسکن روستایی مصادیق بارز این ویژگی محسوب می‌شوند. سازمان فضایی کالبدی روستا که انعکاس ارزشهای اجتماعی، اقتصادی و کالبدی آن

به‌شمار می‌رود، متأثر از این نحوه کارکرد شکل می‌گیرد. در حالی که در فضاهای مسکونی شهری هر عنصر فضایی کارکردی معین را به صورت ویژه و منحصر به فرد، به خود اختصاص می‌دهد، در فضای مسکونی روستایی بیشتر عناصر فضایی با کارکرد کلی مجموعه، معنا پیدا می‌کند. این مسئله تا بدانجا پیش می‌رود که برخی معماری روستایی را یک معماری عملکردگرا می‌نامند. آشکار است که سکونتگاه‌های روستایی، همچون هر پدیده‌ای، پیوسته در معرض تحول و دگرگونی قرار دارند.

طی چند دهه اخیر، اجرای برنامه‌ها و اقدامات متنوع توسط دستگاه‌ها و نهادهای مختلف از یک سو و روندهای نوجویی در عرصه‌های اجتماعی - اقتصادی از دیگر سو، زمینه‌ساز دگرگونی‌هایی در محیط‌های روستایی شده است؛ هر چند منشأ این تحولات و دگرگونی‌ها اغلب عوامل برون‌زا می‌باشد و به واسطه رخدادهای بیرونی در سطوح محلی، منطقه‌ای، ملی و جهانی پدیدار شده و می‌شوند. با این حال، جلوه‌های گوناگون این دگرگونی‌ها به صورت مختلف در زمینه‌های متنوع، به‌ویژه در ابعاد کالبدی، تجلی یافته به همین ترتیب بوده است که عرصه‌های روستایی کشور امروز بیش از هر زمان دیگر، به عنوان عرصه‌های ناپایدار جلوه‌گر شده‌اند. غالباً مدیران و دست‌اندرکاران امور اجرایی مناطق روستایی، ساخت و ساز در روستا خصوصاً خانه روستایی را امری پیش پا افتاده می‌انگارند و چنین اظهار نظر می‌کنند که طراحی و ساخت یک یا چند واحد مسکونی - در محلی که ساختمانهای قبلی آن مشتی گل و سنگ و فاقد نظام هندسی و یا طرح شبکه‌های منظم است - چه اهمیتی می‌تواند داشته باشد. آیا اگر ما فقط یک سرپناه مستحکم از مصالح مقاوم برای ایشان بسازیم، پاسخگوی نیاز مسکن روستاییان نخواهیم

روستایی است. علت اصلی سادگی معماری خانه‌های روستایی این است که حس حضور خداوند را در فضای معماری و دل انسان روستایی زنده کند (اکرمی، ۱۳۸۹، ۴۲). ایجاد بناهای روستایی صرف نظر از شرایط خاص، اغلب تابع محیط جغرافیایی، منابع بومی، سنن زیست و معیشت، ارزشها و فرهنگ مردمی بوده است که به اقتضای زمان و نیازهای خود، آن‌ها را پدید آورده‌اند (بهتاش و سلیمانی، ۱۳۸۵، ۲). معماری روستا به گونه‌ای است که به راحتی خود را با شرایط ویژه محیطی همساز می‌کند، قابلیت انعطاف پذیری تنها در فرم‌ها و اشکال نیست، بلکه در نحوه ترکیب فضاها، اندازه، هندسه و... حضور پیدا می‌کند. راهیابی برای موارد خاص، یافتن پاسخ برای نیازهای خانواده در شرایط ویژه در تمامی سطوح و مراحل از فراهم آوردن مصالح و آماده سازی آن تا طرح و ساخت بنا همگی گویای میزان بالای خلاقیت است (Kalabamu, 1987, 69). مسکن عمده‌ترین عنصر تشکیل دهنده بافت‌های روستایی است؛ سازمان فضایی و نحوه استقرار و ساخت آن بیانگر کیفیت استفاده از محیط، تأثیر اقتصاد، سنتها و هنجارهای حاکم بر جامعه روستایی است. طرح، تکنولوژی و شیوه ساخت مسکن روستایی، ابعاد، تناسبات، مقیاس و انطباق با شرایط درون و بیرون واحد مسکونی، همه و همه از میزان تأثیر و تقویت روابط انسانی با امکانات و شرایط محیط طبیعی و الزاماتی حکایت دارد که به صورت تجربی و در طول زمان به صورت اصول، معیارها و کمیت‌هایی در ساختار فضایی مسکن بروز یافته است. به سبب تداخل نقش‌های تولیدی و ارزشی در این معیارها، تقویت و یا تضعیف این ویژگیها، می‌تواند زمینه پویایی و یا برعکس نابسامانی و اغتشاش در کارکردهای جاری نظام فضایی کالبدی روستا را به دنبال آورد (سرتیپی پور، ۱۳۸۴، ۴۴).

بود؟ (زرگر، ۱۳۸۸، ۱۸). به‌عنوان یک موضوع اساسی می‌توان گفت هر گونه سیاستگذاری و برنامه‌ریزی مسکن روستایی در کشور هنگامی می‌تواند قرین به توفیق گردد که طرحها و اقدامات با ویژگی‌ها و مختصات معماری روستایی و سنتهای قومی، فرهنگی و تنوع اقلیمی موجود در مناطق مختلف کشور منطبق باشد. بر این اساس تحقیق حاضر به دنبال پاسخ به این سؤال است که آیا ساخت و سازهای جدید در نواحی روستایی مطابق با معماری بومی بوده است و تا چه اندازه توانسته رضایت ساکنین روستایی را فراهم نماید؟

### مبانی نظری

امروزه مسکن روستایی به‌طور مداوم تحت‌الشعاع مباحث مسکن شهری قرار گرفته، شکل خانه‌های روستا نیز تغییر یافته و کم‌کم با مصالح و مواد ساختمانی مدرن ساخته می‌شود. خانه‌های روستایی که زمانی نشان از سنت‌های روستاییان و سبک زندگی آنان داشته، حالاً نه شبیه خانه روستایی گذشته است و نه کاملاً شبیه خانه‌های مدرن شهری که مشاهده می‌نماییم. نه تنها شهرنشینان، بلکه حتی نسل‌های امروزی روستا نیز با توجه به تغییراتی که در روستاها-در نتیجه توسعه امکانات و خدمات رفاهی و تغییر شیوه یا سبک زندگی روستایی- رخ داده است، کمتر قادر به تفکیک مفهوم خانه روستایی خود از خانه شهری هستند، اگرچه همچنان تفاوت‌های بارزی بین شهر و روستا وجود دارد (صیدایی و همکاران، ۱۳۸۹، ۵۳). اگر چه روستاها در معرض هجوم نقشه‌های به اصطلاح شهری که مطابقتی با زندگی سنتی روستایی ندارند، قرار گرفته‌اند؛ ولی بنیان و اساس خانه روستایی ساده است. این سادگی در طرح و ترکیب فضاها وجود دارد. شکل کلی خانه روستایی همانند طبیعت اطراف آن ساده است (Gallent, 2009, 207). سادگی رمز نهایی معماری

دگرگونی‌های ناشی از تحولات نوین سازی جامعه ایرانی طی صد سال گذشته، به‌ویژه در چهار دهه اخیر، معماری و ساخت خانه‌های روستایی را در معرض تحولاتی قرار داده است که توجه و هدایت آن می‌تواند هم در حفظ سنتهای نیکوی زیست، معیشت و معماری روستایی و هم در به‌کارگیری صحیح فناوریهای جدید در ساخت مصالح و سازه‌های بوم‌آورد تأثیر به‌سزایی داشته باشد (Skat, 1991, 29). معماری روستایی بومی دارای خطوط ارتباطی مستقیم، بلاواسطه و محکم با فرهنگ توده‌ها و زندگی روزمره آنها است. وقتی اقدام به مشاهده و مطالعه این بناها می‌کنیم ساده و ابتدایی به نظر می‌رسند ولی واقعیت امر این است که این بناها توسط مردمی ساخته شده‌اند که تمام هوش و ظرفیتشان را برای ساخت آنها به‌کار گرفته‌اند و از تمامی روابط موجود بین خودشان در ساختن آنها استفاده کرده‌اند (اژدر و مهرنهاد، ۱۳۸۷، ۳). در معماری بومی، خانه‌ها بر اساس مدل‌های توسعه یافته و دارای معانی مشخص ساخته می‌شود. اغلب این مدل‌ها بر اساس اوضاع اقتصادی و شرایط آب و هوایی آن ناحیه خاص شکل می‌گیرند. بنابراین معماری بومی یک معماری مورد قبول اجتماع و تصویرگر ایده‌آل‌های جامعه است. معماری بومی در شمایل قرن بیستمی خود آرزو دارد با هویت و نقش اجتماعی، ارتباطات سنتی و شرایط بازار تطابق یابد. معماری سنتی روستایی از سنت‌های عامیانه‌ای سرچشمه می‌گیرد که در بطن فرهنگ یک ملت به‌طور ناخودآگاه وجود دارد و بیانگر آرزوهای آنها می‌باشد (Wells, 1995, 78). معماری سنتی روستایی ایران مجموعه‌ای بسیار متنوع است. بررسی علل و ریشه‌های این گوناگونی مستلزم مطالعات وسیع می‌باشد. این نوع از معماری مجموعه متنوعی از ابنیه و سکونتگاه‌ها را در بر می‌گیرد که سرزمین ایران با توجه به تنوع جغرافیایی، اقلیمی و

گوناگونی فرهنگی در هر روستا ریخت ویژه‌ای دارد. گاهی خانه‌ها پراکنده و جدای از یکدیگر و گاه به هم تنیده می‌باشند. بام خانه‌ها نیز در جایی تیرپوش، در جای دیگر شیب دار و در بعضی مناطق دیگر گنبدی شکل و منحنی است. در مطالب زیر به بررسی اصولی می‌پردازیم که در معماری غالب روستاهای ایران قابل مشاهده است؛ این اصول می‌توانند از نظر کمی و کیفی در تأمل دیگری گسترش یابند. وقتی مصالح ساختمان بومی بوده و نیروی کار سازنده ساختمان نیز افراد خانواده و همسایگان باشد، ازان تمام شدن ساختمان نتیجه منطقی آن است (خورانی، ۱۳۸۵، ۵۰). کاربرد مصالح بومی برای بهینه سازی عملکرد حرارتی پوسته خارجی ساختمان‌های روستایی نیز بسیار اساسی است و باید در مقررات ملی ساختمان به آن توجه شود (قاسم زاده و همکاران، ۱۳۸۹، ۶۰). معماری واحدهای مسکونی جدید با الگوهای بومی تفاوت بسیاری دارد و بیش از آنکه روستایی باشد، مشابه الگوهای جدید شهری است. فاصله گرفتن از الگوهای بومی و روی آوردن به الگوهای جدید، روابط فضایی شکل و سازمان فضایی واحدهای مسکونی را دگرگون کرده و باعث ناهماهنگی آن با نیازهای زیستی - معیشتی روستاییان شده است و البته مسلم است که تمایل مردم در روی آوردن به الگوهای جدید این مسئله را دامن زده است. مسکن سنتی از لحاظ انطباق با نیازهای زیستی معیشتی و ویژگی‌های بوم‌آورد، نسبتاً مطلوب است اما از لحاظ بهداشت، مصالح و استحکام کاستیهایی دارد. از سوی دیگر، مسکن جدید اغلب با بی‌توجهی به نیازهای زیستی معیشتی و ویژگی‌های محیط زیست طبیعی همراه بوده است. هر چند تصور عمومی بر این است که مصالح بومی فاقد مقاومت و استحکام لازم برای احداث بناها مقاوم هستند و مقررات ملی ساختمان به‌کارگیری آنها را توصیه

بیان نمودیم نازلترین شاخص کیفیت مسکن در روستاهای ایران، شاخص دوام مصالح واحد مسکونی است (اطهاری، ۱۳۸۴، ۱۴۲). دو شاخص اصلی سنجش میزان استحکام واحدهای مسکونی روستایی میزان دوام مصالح و میزان دوام سازه های آن واحد مسکونی هستند. میزان دوام مصالح به کار رفته در پی، دیوار، کرسی چینی و سقف و همچنین میزان دوام سازه های اسکلت بندی، سازه سقف و برخورداری مسکن از امکانات ضدزلزله جزو شاخص های فرعی معماری مسکن روستایی می باشند و نیز قدمت واحدهای مسکونی با شاخص هایی چون میزان متوسط عمر واحد مسکونی، میزان تراکم اتاق ها، تراکم طبقات و میزان برخورداری از سطح زیربنا باید سنجش شود (سرتیپی پور، ۱۳۸۶، ۵۳). به هر حال عوامل چندی از قبیل عوامل فرهنگی، اجتماعی، اقلیمی و معیشتی در شکل بخشیدن به معماری مسکن یک منطقه تأثیر گذار است. این عوامل عبارتند از:

**الف) عوامل فرهنگی - اجتماعی:** از آنجا که معماری پدیده انسانی است به ناچار از اجتماع تأثیر می پذیرد. مذهب، سنت، اعتقادات، مسائل امنیتی و به طور کلی جهان بینی افراد در معماری هر منطقه مؤثر است. عامل دیگری که در تعیین مشخصات خانه های روستایی نقش مؤثری دارد بعد خانوار می باشد. مسکن اقوام مختلف از نظر شکل، ابعاد، نحوه استفاده از فضای داخلی، دسترسی به امکانات رفاهی، استفاده از مصالح ساختمانی و کاربرد آن با یکدیگر متفاوت است. هر قومی با توجه به ویژگی های فرهنگی - معیشتی خاص خود به شیوه خاصی محل زندگی خویش را می سازد (پاپلی یزدی، ۱۳۷۶، ۲۷). مسکن روستایی از نظر معماری ساده و همگن است. به عبارتی معماری ساختمان، شکل، فرم، نحوه آرایش داخلی فضا و کاربرد آن با ویژگی های

نمی کند اما در میان آن ها، مصالح مقاوم و با دوام با رنگهای متنوع و زیبا وجود دارد که توجه و استفاده از آن ها به تنهایی یا در ترکیب با مصالح جدید، می تواند تنوع، دوام و زیبایی را ایجاد کند. اما به دلیل استفاده از مصالح جدید و بهبود وضعیت استحکام و بهداشت این مصالح مورد اقبال کمتری قرار گرفته است. مهم ترین معیار رضایتمندی از مسکن، استحکام بنا است که از طرف بسیاری از روستائیان عنوان می شود، اما برخی دیگر آرامش و آسایش به ویژه در ارتباط با شرایط اقلیمی را ترجیح می دهند. مهم ترین عامل گرایش به مسکن جدید، ترس از میزان استحکام مسکن بومی و تلاش برای ارتقای موقعیت اجتماعی با زندگی در خانه های جدید است، برای خانواده هایی که گرایش خود را حفظ کرده اند و از مسکن جدید برای پذیرایی مهمانان استفاده می کنند و خود در بخش قدیم زندگی می کنند. افراد متمول تر، بدون استفاده از تسهیلات بانکی به ساخت مسکن اقدام می کنند. سرمایه های خود را به تقلید از الگوهای شهری که در بیشتر موارد سازگاری چندانی با زندگی شان ندارد و با محیط روستا بیگانه است، اختصاص می دهند (سرتیپی پور، ۱۳۸۸، ۱۶). از طرفی دیگر هر چند استحکام و سازه بنا از عوامل مؤثر در تحقق مسکن مطلوب است اما باید توجه نمود که ارزشهای مفید و ویژگی هایی چون انطباق با محیط طبیعی - جغرافیایی، فرهنگی، به کارگیری مصالح بومی، تنوع و زیبایی از دیگر خصوصیات مطلوبی است که در مقررات طراحی و ساخت باید به آن ها توجه شود اما عدم توجه به موارد بالا باعث می شود که انتظام فضایی و کالبدی روستا به هم خورده تا جایی که در عمل، به دلیل اقتباس از الگوهای شهری و تضاد با الگوهای روستایی آشنفنگی و نابسامانی بافت تشدید شود (سرتیپی پور، ۱۳۸۸، ۳۱). با وجود این همه که در ضرورت استحکام مسکن روستایی

فرهنگی و اجتماعی محل همگن و سازگار می‌باشد (همان، ۳۲). محتوای فکری و روح انسان روستایی در معماری روستایی نمایان است. امکان ندارد روستایی چیزی بسازد که با بستر محیط خود متضاد باشد و یا با طبیعت مکان و موقعیت‌اش مقابله کند. هماهنگی و همگنی معماری بومی روستایی هم در ظاهر نمایان است و هم در باطن (اکرمی، ۱۳۸۹، ۳۷).

**ب) عوامل اقلیمی:** دگرگونی چهره معماری شهرها و روستاها در رابطه با تنوع اقلیمی حاکی از مبارزه مستمر و پیگیر معماران با طبیعت است. همچنین جنس و درجه مقاومت، میزان سختی و سستی خاک، و فور یا کمی منابع آب و عواملی چون سیل، زلزله و طوفان در معماری یک منطقه تأثیر به‌سزایی دارد.

**ج) عوامل معیشتی:** معماری در هر منطقه با اقتصاد آن جامعه ارتباط تنگاتنگی دارد، در نتیجه نیاز به محلی برای نگهداری محصولات زراعی، دام و همچنین ابزار کار و کشاورزی در خانه‌های روستایی غیر قابل اجتناب است علاوه بر تأثیری که شیوه‌های تولید در ترکیب معماری دارد، امکانات مالی افراد نیز در انتخاب نوع مصالح و بزرگی و کوچکی خانه‌ها مؤثر است (قرخلو و همکاران، ۱۳۸۷، ۶۶).

#### روش پژوهش

نوع تحقیق این پژوهش کاربردی و روش بررسی آن مبتنی بر روش توصیفی و تحلیلی است. به منظور جمع‌آوری اطلاعات از روش‌های مختلف اسنادی، کتابخانه‌ای و میدانی استفاده شده است. مبانی نظری مرتبط با موضوع تحقیق با روش اسنادی و کتابخانه‌ای بررسی گردید، همچنین از آمار و اطلاعات موجود در بنیاد مسکن شهرستان دلفان و در پایان از روش میدانی برای کسب اطلاعات پرسشنامه‌ای نیز در فرایند تحقیق بهره‌جسته شد. جامعه آماری تحقیق شامل خانوارهای

ساکن در بخش مرکزی شهرستان دلفان از توابع شهرستان نورآباد می‌شود. تعداد ۱۷ روستای بالای ۵۰ خانوار که در آن‌ها ساخت و ساز جدید صورت گرفته است به‌صورت تصادفی انتخاب شده‌اند. همچنین با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه ۱۳۳ سرپرست خانوار انتخاب شد که در فرمول مورد نظر  $p: ۹$  و  $q: ۱$  و حجم جامعه آماری ۲۶۷۷ خانوار می‌باشد که توزیع پرسشنامه‌ها نیز به نسبت جمعیت روستاها و به‌صورت تصادفی است. جهت آزمون و سنجش مؤلفه‌ها از آزمون T تک نمونه‌ای، برای سنجش و مقایسه وضعیت مسکن موجود با وضعیت قبلی از آزمون ویلکاکسون و برای تعیین تأثیر مستقیم و غیر مستقیم متغیرها بر معماری بومی از مدل تحلیل مسیر استفاده شده است. در ابتدا گویه‌های مناسب در معماری بومی منطقه مورد مطالعه استخراج و در قالب شش مؤلفه فضای کالبدی، استحکام، بهداشت، فرهنگی، اقتصادی و کارکردی تقسیم‌بندی شده است در جدول شماره (۴) تک تک متغیرها تعریف عملیاتی شده‌اند و همچنین متغیر معماری بومی از تجمع گویه‌های مربوط به معماری بومی و ترکیب (compute) آن‌ها در نرم افزار SPSS تعریف عملیاتی شده و به‌صورت متغیر وابسته تعریف گردیده است.

#### منطقه مورد مطالعه

شهرستان دلفان با وسعتی بالغ بر ۲۷۰۰ ک.م.م دارای تراکم نسبی ۴۷/۳۸ نفر در هر ک.م.م می‌باشد این شهرستان دارای شهر، ۲ بخش و ۱۰ دهستان می‌باشد. مورد مطالعه ما، بخش مرکزی منطقه می‌باشد که در ۳۳ درجه و ۴۵ دقیقه طول شرقی و ۴۷ درجه و ۱۵ دقیقه عرض شمالی واقع شده و با مساحتی بالغ بر ۱۱۵۱ کیلومتر شامل ۶ دهستان است. موقعیت منطقه در شهرستان و استان در (ت ۱) مشخص شده است. روستاهای که جامعه آماری ما را تشکیل می‌دهند به

استان لرستان با مساحت ۱۱۵۱ کیلومتر مربع با ۶ دهستان در ۳۳ درجه و ۴۵ دقیقه طول شرقی و ۴۷ درجه و ۱۵ دقیقه عرض شمالی است. الگوی مسکن در هر پهنه‌ای تحت تأثیر عوامل مختلفی نظیر اقلیم، ویژگی‌های طبیعی، نوع معیشت، فرهنگ و سنن، مذهب شکل می‌گیرد و عوامل فوق در پیدایش و تکامل این الگو مؤثرند. در استان لرستان اصلی‌ترین عامل در شکل‌گیری الگوهای مسکن روستایی را باید نوع معیشت و نحوه گذران ساکنان آن دانست که خود طبعاً تا حد بسیار زیادی متأثر از سایر عوامل به‌خصوص شرایط اقلیمی منطقه است. مسکن روستایی استان لرستان را می‌توان به دو گونه متفاوت از یکدیگر تفکیک نمود. این دو گونه عبارتند از: مسکن روستاهای با قدمت، واقع در مناطق شمال شرقی استان شامل شهرستانهای بروجرد، دورود و شمال شهرستان الیگودرز و مسکن عشایر اسکان یافته، واقع در مناطق میانه و جنوبی استان شامل شهرستانهای کوه‌دشت، خرم‌آباد، نورآباد و جنوب شهرستان الیگودرز (گلبابایی، ۱۳۷۴، ص ۲۳). همانطور که اشاره شد شهرستان دلفان دارای روستاهایی با قدمت بالا است که بخش مرکزی نیز از این قائنده مستثنی نیست. در ساخت مسکن این بخش، تمام فضاهای مربوط به یک روستایی و همچنین یک حیاط نسبتاً بزرگ برای نگهداری دامها در فصول گرم سال در نظر گرفته شده است. فضاهایی از قبیل، انباری، طویله، کاهدان، مطبخ و سایر فضاهای مورد نیاز. معماری مسکن این دهستان به شکلی است که سرویسهای بهداشتی بیرون از فضای مسکونی و در درون حیاط درست شده و سایر عناصر ساختمان همچون پی، دیوارها، سقف و پله‌ها کاملاً متناسب با معماری بومی است (ت ۳) مصالح به‌کاررفته نیز اغلب از مصالح بومی منطقه است. اما وضعیت بهداشتی و ظاهر فیزیکی عمده ساختمان‌ها مناسب نمی‌باشد و خانه‌ها قدمتی زیادی

تفکیک هر دهستان با تعداد جمعیت و خانوار مشخص شده است که در (ت ۲) مشخص شده‌اند که از دهستان نورآباد (۴ روستا)، خاوه جنوبی (۴ روستا)، میربگ شمالی (۳ روستا)، نورعلی (۳ روستا)، میربگ جنوبی (۴ روستا) و خاوه شمالی (۳ روستا) بر اساس فرمول تخصیص متناسب انتخاب شده است (فتاحی، ۱۳۸۹، ۹۵).

ت ۱. روستاهای منطقه مورد مطالعه به تفکیک هر بخش.

نام دهستان	نام روستا	تعداد خانوار	جمعیت
نورآباد	سراب احمدوند	۱۴۳	۶۷۱
	رضآباد	۶۱	۲۶۶
	ظفرآباد	۱۶۹	۷۱۶
	شکرآباد	۵۷	۲۴۷
خاوه جنوبی	تاج امیر	۲۰۷	۸۲۹
	محمد میرزا	۱۱۱	۵۸۶
	بگوری	۶۲	۳۰۳
میربگ شمالی	عبدالحسینی	۹۹	۴۷۶
	فرهادآباد	۳۲۱	۱۵۶۸
نورعلی	شهین آباد	۲۸۶	۱۳۸۵
	گلام بهری	۲۴۱	۱۰۴۸
میربگ جنوبی	حسن آبادسنجابی	۱۱۲	۵۵۳
	فاضل آباد	۶۰	۲۷۳
	میرزاآباد	۱۷۲	۸۳۶
خاوه شمالی	مله خان	۱۸۱	۷۹۴
	زلیوار	۱۱۴	۵۱۸
جمع کل	سراب غضنفر	۴۲۴	۱۸۷۴
	۱۷	۲۶۷۷	۱۲۹۴۳

الگوی مسکن در نمونه مورد مطالعه

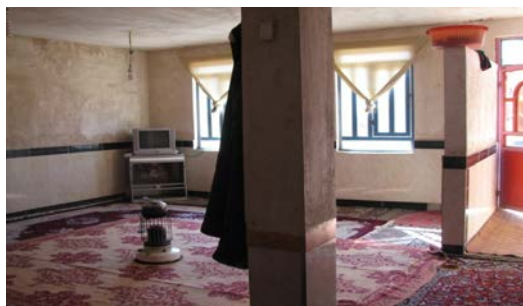
محدوده مورد مطالعه این تحقیق همانطور که (ت ۱) نشان می‌دهد بخش مرکزی شهرستان دلفان واقع در

دارند و استحکام ندارند (ت ۳ و ۴). الگوی جدید ساخت مسکن در منطقه به لحاظ استحکام و زیبایی ظاهری بر الگوی بومی و سنتی برتری دارد اما با توجه به فرهنگ زندگی و فعالیت مردم منطقه این الگو مورد پسند و رضایت بسیاری از مردم نمی باشد و با واقعیت های اجتماعی - فرهنگی و معیشتی این مکان ها سازگاری ندارد (ت ۵). مشخصات الگوی مسکن در منطقه مورد مطالعه در (ت ۶) آمده است.

ت ۳ و ۲. عکس های مسکن در منطقه مورد مطالعه (عکس از محققان - روستای زلیوار).



ت ۴. عکس از معماری جدید مسکن در منطقه مورد مطالعه (عکس از محققان - روستای زلیوار)



ت ۵. الگوی مسکن در منطقه مورد مطالعه.

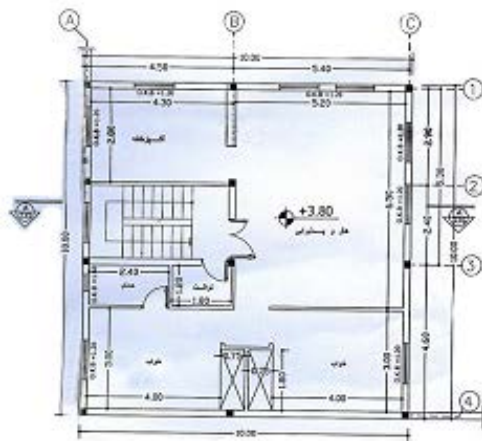
مؤلفه ها	مشخصات
مکان گزینی	دسترسی و نزدیکی به زمینهای کشاورزی، امنیت و وجود منابع آب آشامیدنی
گسترش یافت روستا	- گسترش شعاعی - گسترش خطی
ساختار بنا	شامل چهار عرصه نسبتاً مشخص می باشد: - فضای باز یا حیاط - بخش مسکونی - بخش جنبی - بخش دامی
شیوه های ساخت	مصالح تا چند دهه پیش کاملاً متکی به مصالح بومی بوده که به تدریج دچار تحول شده است و با افزایش ارتباط میان مناطق روستایی با مراکز شهری و در نتیجه ورود مصالح جدید دگرگونیهایی در این زمینه ایجاد شده است.
	پی
دیوار	اصلی ترین عنصر در نظام ایستایی بنا به شمار می رود که فضاهای داخلی را از گزند عوامل مخرب طبیعی مصون می دارد - در این روستاها روش ساخت خانه به گونه ای است که تمامی بار سقف بر روی دیوارها می باشد.
سقف	سقف رایج در خانه های تمامی منطقه مورد مطالعه مسطح می باشد این امر تحت تاثیر دو عامل آب و هوا و وفور مصالح محلی است - عمده ترین مواد اولیه در ساخت سقف، سنگ، چوب و خاک است.
ستون	عنصر باربری است که برای تحمل بار سقف ایوانها و در ورودی در فضاهای دامی استفاده می شود. ستونهای مرسوم شامل ستونهای چوبی، سنگی، آجری و فلزی است.
بازشوها	بازشوها شامل در برای ورود و خروج و همچنین پنجره برای تامین نور و تهویه - در گذشته اتکا به مصالح محلی مانند چوب بیشتر بوده است - با ورود مصالح جدید تمایل به استفاده از در و پنجره های فلزی با وجود عدم تطابق با شرایط اقلیمی گسترش یافته است.
پله	در خانه های دو طبقه و نیز روستاهایی که در آن ها شیب بستر زمین زیاد است در میان حیاط خانه و بخش مسکونی اختلاف ارتفاع دیده می شود - پله ها اغلب از سنگ یا آجر با ملات گل ساخته می شوند - معمولاً ارتفاع پله ۲۵ سانتی متر یا بیشتر و عرض کف پله ها ۳۰ سانتی متر می باشد.



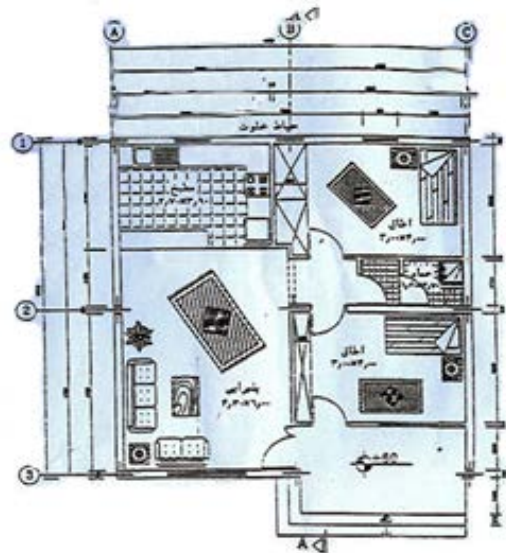
ت ۶. گویه‌های به‌کار رفته در سنجش مؤلفه‌های معماری بومی.

پایایی	گویه‌ها	مؤلفه‌ها
۰/۷۶۹	زیربنا- تراکم طبقات ( یک طبقه ، دو طبقه و...) ، تعداد اتاقها، نمای ظاهری ساختمان، سیستم سرمایشی و گرمایشی، نور مناسب، سازگاری با شرایط اقلیمی	کالبدی
۰/۷۴۳	استحکام پی، دیوار، اسکلت، سقف، استحکام در برابر بلایا، استفاده از مصالح بومی، ارزان و در دسترس بودن مصالح بومی	استحکام
۰/۸۵۲	سرویسهای بهداشتی، نور و روشنایی، بهداشت سقف و دیوار و کف اتاقها، جدایی محل دام و انسان، بهداشت آشپزخانه، بهداشت فضای طویله، بهداشت حیاط خانه ( موزاییک کاری و...)	بهداشت
۰/۷۶۵	فضای آشپزخانه ( باز یا بسته بودن)، سرویسهای بهداشتی ( درون یا بیرون واحد مسکونی)، سازگاری با موقعیت اجتماعی سرپرست خانوار، سازگاری با اعتقادات مذهبی	فرهنگی
۰/۸۱۲	فضاهای جانبی ( مطبخ، طویله، کاهدان و...)، فضاهای مسکونی ( نشیمن، پذیرایی و...)، فضاهای معیشتی ( محل دار قالی، محل تولید وسایل مورد نیاز)	کارکردی
۰/۷۱۵	توان مالی در ساخت مسکن، وامهای بانکی در جهت ساخت و ساز، سود وام بانکی، نحوه پرداخت و بازپرداخت وام، طول زمان ساخت و ساز، مهارت نیروی کار در ساخت و ساز	اقتصادی

ت ۸. پلان جدید مساکن دهستان مورد مطالعه.



ت ۷. پلان مساکن قدیمی دهستان مورد مطالعه.



## یافته‌های تحقیق

همانطور که ت(۸) نشان می‌دهد رضایتمندی از مؤلفه‌های کالبدی، استحکام مسکن و بهداشت در جامعه نمونه بالاتر از حد متوسط می‌باشد یعنی از دید جامعه نمونه وضعیت این مؤلفه‌ها در مسکن آن‌ها مناسب است. که در این راستا نامناسبترین شرایط در ابعاد فرهنگی، اقتصادی و کارکردی قابل مشاهده است به طوری که آزمون t محاسبه شده انحراف قابل ملاحظه‌ای را به نسبت حد متوسط نشان می‌دهد این بدان معناست که گویه‌های مبنایی فرهنگی، اقتصادی و کارکردی مانند فضاهای جانبی (مطبخ، طولی، کاهدان و...)، فضاهای مسکونی (نشیمن، پذیرایی و...)، فضاهای معیشتی (محل دار قالی، محل تولید وسایل مورد نیاز)، فضای آشپزخانه (باز یا بسته بودن)، سرویسهای بهداشتی (درون یا بیرون واحد مسکونی)، وامهای بانکی در جهت ساخت و ساز، سود وام از دید جامعه نمونه مناسب و مطلوب نبوده است.

## ت۹. سطح معناداری رضایتمندی ساکنین از مؤلفه‌های

معماری بومی.

مؤلفه	آزمون T	میانگین جامعه نمونه	سطح معناداری	حد متوسط
کالبدی	۹/۸۰	۱۶/۰۵	۰/۰۰۰	۱۴
استحکام	۵۲/۰۸	۱۴/۵۰	۰/۰۰۰	۱۰
بهداشت	۲۱/۲	۱۹/۰۷	۰/۰۰۰	۱۴
فرهنگی	-/۰۲۳	۱۱/۹۹	۰/۹۸۲	۱۲
اقتصادی	۰/۱۷۹	۱۱/۹۴	۰/۸۵۸	۱۲
کارکردی	-۴/۸۳	۵/۲۲	۰/۰۰۰	۶

براساس (ت۹) در میان تمامی گویه‌های مؤثر بر معماری بومی، تفاوت محسوس بین گویه‌ها در شرایط

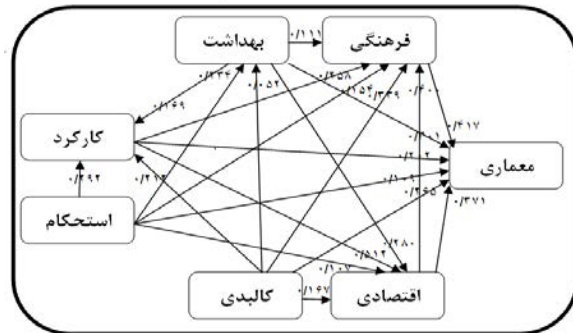
وضع موجود و مسکن قدیمی در سطح آلفا کوچکتر از ۰/۰۵ است یعنی بر اساس نظرات پاسخگویان میان ساخت و سازهای جدید و مسکن قدیمی تفاوت معناداری وجود دارد، به جزگویه "سازگاری با موقعیت اجتماعی خانوار از مؤلفه فرهنگی" که در آن هیچ گونه تفاوتی مشاهده نمی‌شود. همانطوری که (ت۱۰) نشان می‌دهد در بعضی گویه‌ها مثل زیربنای واحد مسکونی، سازگاری بنا با شرایط محیطی، فضاهای جانبی، فضاهای معیشتی، فضای خواب و آرامش روحی خانواده رتبه منفی بیشتر از رتبه مثبت است و در بعضی گویه‌های دیگر مانند نمای ظاهری بنا، استحکام پی، سقف و دیوار، بهداشت آشپزخانه و روشنایی مسکن رتبه مثبت بیشتر از رتبه منفی است. این بدین معناست که رضایتمندی جامعه نمونه از زیربنای واحدهای مسکن قدیمی، سازگاری بنا با شرایط محیطی، فضاهای جانبی، فضاهای معیشتی، فضای خواب و آرامش روحی خانواده بیشتر از مسکن جدیدی است که ساخته شده اند و یا در حال ساخت هستند اما در گویه‌هایی مانند نمای ظاهری، استحکام پی، استحکام دیوار، بهداشت سقف و دیوار و "سرویس بهداشتی" رضایتمندی جامعه نمونه از مسکن جدید بیشتر از مسکن قدیمی است.

برای نشان دادن اثرات مستقیم و غیر مستقیم مؤلفه‌های معماری بر مسکن روستایی از مدل تحلیل مسیر(ت۱۱) استفاده شده است بدین صورت که تجمیع گویه‌ها به‌عنوان متغیر وابسته و عواملی چون مؤلفه اقتصادی، بهداشت، استحکام بنا، فضای کالبدی، فرهنگی و کارکردی را به‌عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته، سپس روی این متغیرها تحلیل رگرسیون انجام داده و در هر مرحله هر یک از عوامل که بیشترین ضریب بتا را داشته به‌عنوان متغیر وابسته و سایر عوامل متغیر مستقل فرض شده است.

ت ۱۰. نتایج حاصل از آزمون ویلکاکسون.

Test statistics		رتبه‌ها			گویه	مؤلفه
سطح معناداری	Z	رتبه برابر	رتبه منفی	رتبه مثبت		
۰/۰۰۰	-۷/۵۹	۱۸	۱۰۶	۹	زیربنای واحد مسکونی	کالبدی
۰/۰۰۰	-۴/۱۲	۶۴	۱۶	۵۳	تراکم طبقات (یک طبقه، دو طبقه ...)	
۰/۰۰۰	-۶/۸۸	۳۱	۸۶	۱۶	تعداد اتاقها	
۰/۰۰۰	-۹/۰۱	۲۰	۶	۱۰۷	نمای ظاهری بنا	
۰/۰۰۰	-۵/۹۲	۶۴	۱۱	۵۸	سیستم سرمایشی	
۰/۰۰۰	-۶/۱۸	۶۱	۱۱	۶۱	سیستم گرمایشی	
۰/۰۰۰	-۴/۳۴	۶۴	۱۷	۵۲	نور مسکن	
۰/۰۰۰	-۸/۲۳	۱۶	۹۴	۲۳	سازگاری با شرایط اقلیمی	استحکام
۰/۰۰۰	-۹/۸۸	۳	۴	۱۲۶	استحکام پی	
۰/۰۰۰	-۱۰/۲۳	۳	۰	۱۳۰	استحکام دیوار	
۰/۰۰۰	-۱۰/۰۹	۶	۰	۱۲۷	استحکام اسکلت	
۰/۰۰۰	-۹/۵۵	۱۳	۳	۱۱۷	استحکام سقف	
۰/۰۰۰	-۸/۸۱	۱۲	۶	۱۱۵	مقاومت مسکن در برابر بلایای طبیعی	
۰/۰۰۰	-۹/۸۵	۹	۱۱۸	۶	استفاده از مصالح بومی (چوب، سنگ، خشت و ...)	
۰/۰۰۰	-۸/۱۲	۱۲	۹۸	۲۳	در دسترس و ارزان بودن مصالح	بهداشت
۰/۰۰۰	-۹/۹۸	۹	۵	۱۱۹	سرویس بهداشتی	
۰/۰۰۰	-۹/۹۷	۱۷	۹	۱۰۷	نور و روشنایی	
۰/۰۰۰	-۹/۵۳	۱۵	۷	۱۱۸	بهداشت سقف و دیوار	
۰/۰۰۰	-۹/۴۳	۱۸	۲۵	۹۰	جدایی محل دام و انسان	
۰/۰۰۰	-۹/۵۴	۱۵	۰	۱۱۸	بهداشت آشپزخانه	
۰/۰۰۰	-۹/۷۲	۱۶	۰	۱۱۷	بهداشت طولیه	
۰/۰۰۰	-۸/۹۳	۲۹	۳	۱۰۱	بهداشت حیاط	فرهنگی
۰/۰۰۰	-۸/۳۲	۳۷	۹۳	۱۰۰	فضای باز آشپزخانه	
۰/۰۰۰	-۷/۰۳	۳۴	۸۳	۱۶	وضعیت سرویسهای بهداشتی	
۰/۰۰۰	-۶/۵۳	۳۴	۸۰	۱۹	فضای خواب	
۰/۷۵۲	-۰/۳۱	۶۱	۳۳	۳۹	سازگاری با موقعیت اجتماعی خانوار	
۰/۰۰۰	-۵/۴۳	۵۵	۶۵	۱۳	آرامش روحی خانواده	
۰/۰۰۰	-۷/۰۳	۶۵	۶۵	۳	سازگاری با اعتقادات مذهبی	
۰/۰۰۰	-۸/۴۱	۱۹	۱۰۵	۹	فضاهای جانبی	
۰/۰۰۰	-۷/۷۵	۳۴	۹۳	۶	فضاهای مسکونی	
۰/۰۰۰	-۸/۵۰	۲۱	۱۰۶	۶	فضاهای معیشتی	

ت ۱۱. مدل تحلیل مسیر.



ت ۱۲. سنجش میزان اثرات مستقیم و غیر مستقیم و کلی متغیرها بر مسکن (معماری) روستایی.

مؤلفه	اثر مستقیم	اثر غیر مستقیم	اثر کلی
فرهنگی	۰/۴۱۷	-----	۰/۴۱۷
اقتصادی	۰/۳۷۱	۰/۵۳۷	۰/۹۰۸
بهداشت	۰/۳۰۱	۰/۲۴۷	۰/۵۴۸
کالبدی	۰/۲۶۵	۰/۱۹۱	۰/۴۵۶
کارکردی	۰/۲۰۲	۰/۳۸۱	۰/۵۸۳
استحکام	۰/۱۰۹	۰/۲۷۳	۰/۳۸۲

نتیجه این مدل نشان می‌دهد که در منطقه مورد مطالعه بیشترین عامل تأثیرگذار بر نحوه ساخت و ساز مسکن روستایی عامل فرهنگی یعنی همان فضای باز آشپزخانه و ... و سپس عامل اقتصادی یا توان مردم روستایی در ساخت و ساز است و کمترین عامل تأثیرگذار استحکام واحد مسکونی است که نکته‌ای جالب و قابل اتکا برای مسئولین جهت رسیدگی و برطرف کردن آن است.

### نتیجه

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد مؤلفه‌های فرهنگی، کارکردی و اقتصادی پایینتر از حد متوسط و مؤلفه‌های استحکام، بهداشت و فضای کالبدی در سطح متوسط

ارزیابی شده‌اند، یعنی اینکه در ساخت و سازهای جدید به دلیل وجود استحکام در پی، دیوار، اسکلت، سقف ساختمان و وجود سرویسهای بهداشتی، بهداشت آشپزخانه، نمای ظاهری مناسب بنا و تراکم طبقات از دید جامعه نمونه رضایتمندی وجود دارد. اما در مؤلفه‌های فرهنگی، کارکردی و اقتصادی، عدم تمایل روستاییان به قرارگیری سرویسهای بهداشتی در داخل واحد مسکونی، عدم آرامش روحی در خانواده‌ها (به دلیل مغایر بودن مسکن جدید با اعتقادات آنها)، عدم هماهنگی معماری مسکن با محیط طبیعی، عدم سازگاری مسکن با شرایط طبیعی و اقلیمی، همچنین عدم رضایتمندی از فضاهای جانبی مانند مطبخ، طویله، کاهدان و فضاهای معیشتی (در مسکن قدیمی و بومی این فضاهای جانبی نقش اساسی در فعالیتهای اقتصادی روستاییان داشته است و در واقع انعکاس دهنده نقش اقتصادی مسکن روستایی هستند) به خوبی توجه می‌شد اما در معماری و ساخت و سازهای جدید توجه چندانی به این فضاهای جانبی نمی‌شود. علاوه بر این روستاییان از نحوه پرداخت و بازپرداخت وام‌های بانکی رضایت نداشته‌اند و اکثراً ذکر کرده‌اند که این وام‌ها به صورت یکجا به آنها پرداخت نمی‌شود و پرداخت مقطعی وام باعث طولانی شدن روند ساخت مسکن شان می‌گردد، مردم از سود وام بانکی و نحوه بازپرداخت آن نیز رضایت چندانی نداشته‌اند. یافته‌های تحقیق از آزمون ویلکاکسون نشان می‌دهد که فقط در گویه سازگاری با موقعیت اجتماعی خانوار (مؤلفه فرهنگی) - که هیچ شکافی میان مسکن قدیمی و جدید وجود ندارد- در سایر گویه‌ها شکاف میان رتبه‌های مثبت و منفی قابل مشاهده است. اما نکته قابل توجه در آزمون ویلکاکسون این است که در تعدادی از گویه‌ها این اختلاف به نفع مسکن قدیمی و در تعدادی دیگر از گویه‌ها به نفع مسکن جدید است. مانند

تجربیات قرن‌ها زندگی انسان در یک محیط است و لذا با شرایط اقلیمی، اجتماعی و اقتصادی آن محیط کاملاً سازگار است. متأسفانه شاخص‌ها و اصول معماری مسکن جدید در روستاها به این دلیل که از نسخه‌های معماری شهری تقلید شده است منطبق با محیط طبیعی، اجتماعی و فرهنگی روستاها نیست. در چنین وضعیتی به دلیل اینکه شاخص و معیارهای ساخت مسکن روستایی بدون توجه به آداب و رسوم و فرهنگی که در مناطق روستایی وجود دارد پیاده می‌شوند این امکان قوت می‌یابد که تحولات ناخواسته و ناخوشایند اجتماعی- فرهنگی، محیطی- اکولوژیک و حتی اقتصادی در محیط‌های روستایی رخ دهد. در آخر این نکته را باید تأکید کرد که روستاییان از یک سو به دنبال رضایتمندی از استحکام بنا بوده و از سویی به دنبال آرامش روحی حاصل از رضایتمندی مؤلفه‌های کارکردی و فرهنگی هستند. مسکن قدیمی تاحدودی توانسته‌اند این نیاز را به خوبی برآورده کنند. لذا با توجه به یافته‌های تحقیق می‌توان سناریوی بهینه معماری مسکن روستایی را ترکیب مزیت‌های معماری جدید به‌ویژه جنبه‌های استحکامی و فنی آن با مزیت‌های معماری بومی (سستی) در زمینه سازگاری زیست محیطی و اجتماعی- فرهنگی ارائه نمود.

#### منابع

- اطهاری، کمال. (۱۳۸۴)، فقر مسکن در ایران: فقر سیاست اجتماعی، رفاه اجتماعی، شماره ۱۸.
- اکرمی، غلامرضا. (۱۳۸۹)، رازهای معماری روستایی، مسکن و محیط روستا، شماره ۱۳۱.
- اژدر، سوسن؛ مهنهاد، حمید. (۱۳۸۷)، بررسی مقاوم سازی و بازسازی مسکن روستایی در ایران، همایش ملی مقاوم سازی ایران.

گویه‌های مؤلفه استحکام که به‌رغم رضایتمندی مردم از استحکام مسکن جدید هیچگونه انطباقی با معماری بومی ندارد، در مؤلفه کارکردی و فرهنگی نیز آزمون عدم رضایتمندی مردم را از مسکن جدید نشان می‌دهد، آزمون ویلکاکسون نیز مؤید عدم انطباق با معماری بومی است چرا که در مسکن جدید فضاهاى جانبی، مسکونی و معیشتی مورد توجه قرار نگرفته است. همان طوری که مدل تحلیل مسیر نشان می‌دهد مؤلفه فرهنگی بیشترین تأثیر مستقیم را بر مسکن روستایی دارد در حالیکه متغیر اقتصادی بیشترین تأثیر غیر مستقیم را دارا می‌باشد. هم چنین مؤلفه استحکام در مقایسه با سایر مؤلفه‌ها، کمترین تأثیر را چه به‌صورت مستقیم و چه غیرمستقیم بر مسکن روستایی داشته است.

از دیدگاه اندیشمندان سکونتگاه مناسب باید شرایطی داشته باشد که انسان بتواند به واسطه آن به سعادت و کمال وجودی خود دست یابد، به گونه‌ای که آن‌ها زیستن، سکونت، ساختن، رشد و پروراندن را با هم مترادف می‌دانند. از این رو این مقاله به دنبال این بوده است که آیا ساخت و سازهایی که در سالهای اخیر در مناطق روستایی شروع شده و روند رو به افزایشی هم داشته است با معماری بومی انطباق داشته است؟ و این سبک‌های ساخت و ساز و معماری تا چه حد توانسته است رضایتمندی ساکنان را در ابعاد مختلف برآورده کند. با توجه به یافته‌های تحقیق تفسیر ما این است که سبک معماری رایج در ساخت مسکن روستایی کشور مبتنی بر الگوی پایدار معماری روستایی نیست، چرا که در الگوی پایدار معماری روستایی تأکید بر استفاده از توانمندی‌های فنی معماری جدید در طرح بندی دقیق مسکن روستایی است، این دانش باید سازگار با دانش بومی روستاییان بوده و مغایرتی با آن نداشته باشد. دانش بومی روستاییان در زمینه معماری روستایی حاصل

- Denyer .S., *African Traditional Arichitecture*. (Heineman, 1978).
- F.T. kalabamu, *some effects of tanzanias villageisation programme on traditional building materials, building materials for low-cost housing: asian and pacific region* (E.& F.N.spon, London,1987).
- Gallent,N. *housing rural, journal of international encyclopedia of human geography*, vol. 7,pp.207-212,2009.
- K Napp I, *Housing problems in third world*, university of stuttgart. 1982
- Revi. A, R. Verma, S. Sen, P. Kumar, R. Sreedhar and G. Bhat, *building materials and technology promotion council: technology action plan for rural housing 1991-2001*, (Taru, New Delhi, India, published draft 1993
- SKAT, Sector study. *Building Materials in Bangladesh* (Swiss Development cooperation and swiss center for Appropriate Technology (SKAT). ST. Gallen. Switzerland, 1991.
- Wells, jill, *population, settlements and the environment: the provision of organic materials for shelter*, south bank university, London, pp: 73-90, 1995.
- بحرینی، حسین. (۱۳۷۱)، مجموعه مقالات طرح‌ریزی کالبدی، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، چاپ اول، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه پیام نور.
- بهتاش، فرزاد؛ سلیمانی، محمد. (۱۳۸۵)، نگرشی بر بهسازی و مقاوم سازی مسکن روستایی ایران در برابر سوانح طبیعی، دومین کنفرانس بین المللی مدیریت جامع بحران در حوادث غیر مترقبه طبیعی.
- پایلی یزدی، محمدحسین؛ وثوقی، فاطمه. (۱۳۷۶)، مسکن روستایی: فرهنگ و توسعه، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی.
- حاجی پور، مجتبی. (۱۳۸۹)، ارزیابی فرایند بازسازی سکونتگاه‌های روستایی آسیب دیده از زلزله سال ۸۵ منطقه سیلاخور لرستان نمونه موردی: دهستان شیروان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه زنجان.
- خورانی، اسدالله. (۱۳۸۵)، نقش آب و هوا در شکل دادن به مسکن روستایی، مجله رشد و آموزش جغرافیا، شماره ۷۴، صص ۴۸-۵۳.
- زرگر، اکبر. (۱۳۸۸)، درآمدی بر شناخت معماری روستایی ایران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- سرتپی پور، محسن. (۱۳۸۸)، آسیب شناسی معماری روستایی به سوی سکونتگاه مطلوب، دانشگاه شهید بهشتی.
- سرتپی پور، محسن. شاخص های معماری مسکن روستایی در ایران، نشریه هنرهای زیبا، دوره ۲۲، ۱۳۸۴.
- سرتپی پور، محسن. (۱۳۸۶)، بررسی تحلیلی مسکن روستایی در ایران، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی.
- فتاحی، احدالله. (۱۳۸۹)، سنجش کیفیت زندگی در مناطق روستایی، پایان نامه کارشناسی ارشد، تربیت مدرس.
- قاسم زاده، مسعود و همکاران. (۱۳۸۹)، مسکن روستایی و ضوابط صرفه جویی در مصرف انرژی، مسکن و محیط روستا، شماره ۱۳۱.
- قرخلو، مهدی و همکاران. (۱۳۸۷)، بررسی دگرگونی در ساختار کالبدی و معماری روستاها و تشکیل روستا-شهر مورد آلود و پرنسک، پژوهش های جغرافیای انسانی، شماره ۶۵.
- محمودی، محمدمهدی؛ نیلوفر نیکقدم. (۱۳۸۷)، کاهش آلودگی های محیطی ناشی از توسعه مسکن بارهاکارهای طراحی معماری (مطالعه موردی: بافتهای مسکونی پیرامون تهران) نشریه هنرهای زیبا، شماره ۳۵ پاییز ۱۳۸۷.

Archive of SID